

احوال و آثار استاد هارون شفیقی

استاد هارون شفیقی عنبرانی (۱۲۹۶-۱۳۸۰ش) ادیب، شاعر، عارف و مولف برجسته مقیم تالش، در روستای عنبران واقع در ۳۳ کیلومتری شهر اردبیل و مرز جمهوری آذربایجان متولد شد. پدرش «نجم الدین» فاضلی وارسته و مادرش «حمیرا» (فرزند شیخ علی تالشی) بانویی ادیب و شاعر بود. هم این مادر چون پسر بزرگترش را «موسی» نام نهاده بود، این پسر کوچکتر را به مناسبت «هارون» نام نهاد.

وی در کودکی و نوجوانی - به گفته خودش - حتی یک روز به مدرسه نرفت و تا چهارده سالگی نزد مادرش به تحصیل پرداخت و متونی همچون نفحات الانس جامی، تذکره الاولیا، منطق الطیر، الهی نامه و مصیبت نامه عطار، مثنوی مولانا و کیمیای سعادت غزالی را به تشویق مادر مطالعه کرد. مادری که اولین و بزرگترین معلم و مشوق این فرزند بود و این متون ادبی و عرفانی را به او آموخت، همان حمیرای عنبرانی شاعر است که نمونه شعر او این است:

صحنه هستی به غیر از خاکدانی بیش نیست

سعی مردم جز برای آب و نانی بیش نیست

این همه بار گران بر دوش موری همچو من

در میان عرصه عشق امتحانی بیش نیست

قلب خون آلود من در سینه پر آتشم

تیرباران حوادث را نشانی بیش نیست

زندگی هر چند تلخ است و تحمل ناپذیر

در قبال عالم جاوید، آنی بیش نیست

بیش از این بارگران درد بر دوشم منه

بیشتر بار تو را تاب و توانی بیش نیست

رنج بردم تا به بازار جهان سودی برم

دیدم آخر حاصل رنجم زیانی بیش نیست

استاد شفیقی به حقیقت دانشمندی خود ساخته بود، اما مدت کوتاهی نزد سید نظام الدین عنبرانی (م ۱۳۵۹ق) و دو سه سالی نزد پسرخاله دانشمندش سید محمد طاهر قریشی مینابادی (م ۱۳۳۸ش) مقدماتی از علوم ادبی و عربی را فراگرفت و با آن که به دلایل خانوادگی تحصیلاتش تقریباً ناتمام مانده بود به سال ۱۳۲۴ش از استاد اخیر خود اجازه ای علمی (گواهینامه ای غیررسمی دایر به حق تدریس علوم قدیمه) به سبک حوزه های علمیه اهل سنت، گرفت و بعد که در ۱۳۲۶ ش از عنبران به تالش مهاجرت کرد، به استناد همان گواهینامه سنتی در اداره آموزش و پرورش شهرستان تالش استخدام شد. چهار یا پنج سال بعد، استاد در اوج نهضت ملی کردن صنعت نفت - با سرودن قصیده ای عربی در حمایت از این نهضت و گریز به ستایش رهبر روحانی آن نهضت (مرحوم آیت الله ابوالقاسم کاشانی) این اجازه را به تصدیق آیت الله کاشانی رسانید و با پشتوانه آن توانست به تدریس در دبیرستان ها بپردازد. آخرین سمت او ریاست «دبیرستان هلاکو رامبد» در تالش بود که اینک «دبیرستان دکتر شریعتی» نام دارد. اما اصل این تصدیق با دیگر مدارک و یادداشت های استاد شفیقی در حریق عمده ای که پس از انقلاب در این دبیرستان رخ داد، به همراه سه هزار جلد کتاب نفیس و تمام پرونده ها و میز و نیمکت دبیرستان طعمه آتش شد.

پس از بروز این وقایع، زندگی استاد شفیقی قرین ناآرامی و ناکامی گشت و در ۱۳۵۸ یعنی در همان نخستین سال انقلاب، از خدمت آموزش و پرورش بازنشسته شد. استاد شفیقی بر اثر این عوارض و موانع، دچار افسردگی شد و دیگر زندگی را قابل تحمل نمی یافت. تا آن که چند ساله پایانی عمر خود را از تالش به درآمد و نزد پسر خود در تهران در ناحیه نارمک گذرانید. استاد شفیقی عاقبت در روز دوشنبه یازدهم تیر ۱۳۸۰ بدرود زندگی گفت و در وادی «سیدنیکی» شهر تالش به خاک سپرده شد.

آثار و تالیفات

از شفیقی این آثار مکتوب به یادگار مانده است:

۱- غنچه های دانش (شامل شرح حال و نمونه آثار بیست و پنج شاعر

گیلانی) چاپ ۱۳۳۲

۲- گفتار (شامل مقاله های کوتاه هارون شفیقی در باب مسائل اجتماعی) چاپ ۱۳۳۷

۳- ترجمه کتاب «ایها الولد» از ابوحامد غزالی از عربی با عنوان یک نامه به فارسی، چاپ ۱۳۳۷

۴- گفتگو (گزینه ای از اشعار در قالب قصیده و غزل که شاعر به اقتضای استادان متقدم (سعدی، حافظ، خواجه، کلیم کاشانی، مشتاق اصفهانی و ...)

و یا شاعران معاصر) پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی، پروین دولت آبادی و ...) سروده است، چاپ ۱۳۴۳

۵- جهانگرد بزرگ، ترجمه و اقتباس از اثری از یکی از نویسندگان عرب به نام عبدالله فکری، در مقوله اصالت عقل در قالب داستان، چاپ ۱۳۴۶

۶- علما و عرفای عنبران، تاریخچه عنبران اردبیل و شرح احوال علما و عرفای آن روستا، چاپ ۱۳۶۵

۷- تنبیه النفس، قصیده ای به مطلع ذیل در استقبال از شینیه خاقانی، چاپ ۱۳۷۲

مرا دیوانه نفسی هست، تن، تاریک زندانش

خرد فرمانده زندان و او محکوم فرمانش

۸- مولانا خالد نقشبندی، شامل احوال و آثار و نمونه اشعار و مکاتیب مولانا خالد کرد که با تقریظ و موخره ای به قلم من نویسنده منتشر شده است، چاپ ۱۳۷۵.

نمونه آثار

استاد شفیقی به فارسی، عربی، ترکی و تالشی شعر میسرود. نمونه ای از اشعار عربی او در جلد سوم «سخنوران نامی معاصر» و نمونه ای دیگر که آن را به زبان عربی در پشتیبانی از نهضت ضداستعماری، ملی کردن صنعت نفت ایران و مدح آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی سروده است، در مقدمه «مولانا خالد نقشبندی» چاپ شده است.

اینک نمونه ای از اشعار فارسی استاد شفیقی:

کیستم من؟

کیستم من؟ شاعری وامانده اندر کار هستی

خسته ای افسرده و بیچاره زیر بار هستی

شاعر گنگی که اندر سینه می پیچد فغانش

تاجری سرمایه از کف داده در بازار هستی

منبع: <http://www.shafighi.com>